

رهیافت‌های خروج از مشکل محدثان در روایات متعارض‌تاب فریقین (مطالعه موردی: روایات دال بر خداانگاری آفرینش صورت انسان)

پوران میرزائی (استادیار گروه حدیث دانشگاه قرآن و حدیث)

mirzaee785@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

چکیده

برخی باورها در زمان معصومان به ایجاد پرسش و عرضه انجامیده است و احادیث حاوی پاسخ ایشان، خود، به مثابه راهکاری حلّی هستند که باور صحیح را می‌نمایانند. در این میان، روایاتی به چشم می‌خورند که پذیرش ظاهر آن‌ها مشکل است. از یک سو، متعارض با باورها هستند و از دیگر سو، به سبب کثرت نقل و اعتبار منابع نمی‌توان از آن‌ها به راحتی گذشت. تفسیرهای متعدّد از «مشهور فریقین» که بر «خداانگاری آفرینش صورت انسان» دلالت دارد، موجب شده است این روایات در شمار روایات متعارض جای گیرند.

نوشتار حاضر با تحلیل اسناد، التفات به خاستگاه صدوری، اعتبارسنجی منابع و نیز تحلیل روش‌های حلّی محدثان فریقین سعی دارد به شیوه توصیفی - تحلیلی، وجوه معنایی و راهکارهای حلّی تعارض در این احادیث را بیان کند که ثمره آن، دستیابی به رویکردهایی از پذیرش تا انکار است که بیش‌تر با هدف سازواری با باورهای کلامی سامان یافته است.

کلیدواژگان: خداانگاری آفرینش صورت، تعارض اخبار، مشکل الحدیث، مشهور فریقین.

۱. طرح مسئله

بسیاری از ابهام‌ها در مباحث کلامی در زمان معصومان مطرح بوده و به دلیل هم‌زیستی فرقه‌های مختلف، آگاهی از اندیشه‌ها و باورهای یکدیگر، به ایجاد سؤال در ذهن معاصران ائمه و به تبع آن، عرضه به معصومان انجامیده است. پاسخ



امامان که با گزارش راویان احادیث در جوامع روایی شیعه منعکس شده، خود به مثابه راهکاری حلی و تبیینی است که باور صحیح در این حوزه را می‌نمایاند. در این میان، روایاتی به چشم می‌خورند که پذیرش مراد ظاهری آن‌ها، مشکل‌آفرین است و از جمله آن‌ها، منقولاتی است که در منابع فریقین آمده است و بر خداگونگی انسان در آفرینش صورت دلالت دارند: «... إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ...».

این محتوای روایی که در عرصه‌های مختلف علوم اعم از فلاسفه (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۳/۳۹۵ و ۳۹۶)، عرفان (ابن عربی، بی تا: ۱۲۹/۲)، کلام (آمدی، ۱۴۲۳: ۱/۴۶۶) و حدیث (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲/۸۴)، نظر دانشوران را به خود معطوف داشته، با تفاوت‌هایی فاحش در نقل در منابع گزارش شده است. در روایتی، مفهوم صورت به «مخلوقی حادث» تبیین شده که خداوند آن را بر دیگر صورت‌های مختلف برگزیده است. [حدیث ۱] (کلینی، ۱۳۶۳: ۱/۱۳۴) در برخی روایات با تصویرگری فضای صدور، مراد از «خلقت آدم بر صورتش»، شباهت انسان‌ها در خلقت و همسانی خلقی ایشان با حضرت آدم ابوالبشر معنا شده است. [حدیث ۲] (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۵۳؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۱/۱۱۰) این دو نقل، مشکل نیستند و پاسخ معصوم درباره سؤال از یک نقل شایع در میان مردم (اهل سنت) به شمار می‌روند. با این حال، دیگر نقل‌های این حدیث به دلیل نامشخص بودن مرجع ضمیر «ه» با ابهام همراه است: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ». [حدیث ۳] (ابن حنبل، بی تا: ۲/۳۲۳) در برخی نقل‌ها از ضربه زدن به صورت دیگران به دلیل شباهت خلقت وجه آدم بر صورتش نهی شده است. [حدیث ۴] (صنعانی، بی تا: ۹/۴۴۴؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ۱۲/۴۱۹-۴۲۰) گاهی نهی از دشنام وجه، جای‌گزین نهی از ضربه و مقاتله شده است. [حدیث ۵] (حمیدی، ۱۴۰۹: ۲/۴۷۶) برخی روایات نیز میان این دو جمع کرده و از نهی ضربه و دشنام توأمان سخن گفته‌اند. [حدیث ۶] (صنعانی، بی تا: ۹/۴۴۵؛ ابن حنبل، بی تا: ۲/۲۵۱)

در نقلی متفاوت، پس از اشاره به خلقت آدم بر صورت، با ترسیم طول ۶۰ ذراعی حضرت آدم علیہ السلام، از تکلم ایشان با ملایکہ صحبت شدہ و در آخر آمدہ است کہ ہر کس وارد بہشت می شود، شبیہ آدم علیہ السلام و بہ طول ۶۰ ذراع خواهد بود و انسان ہا بعد از حضرت آدم علیہ السلام رفتہ رفتہ کوتاہ شدہ اند. [حدیث ۷] (ابن منبہ، ۱۴۰۶: ۳۰؛ صنعانی، بی تا: ۳۸۴/۱۰؛ ۱۲۵/۷)

در تمامی این نقل ہا، مرجع ضمیر «ہ» در «صورتہ» مبہم است بہ جز یک نقل کہ بر خلاف دیگر نقل ہا، مرجع ضمیر را ظاہر کردہ و خداوند رحمان را مفروض داشتہ است: «لَا تَقْبَحُوا الْوَجْهَ فَإِنَّ ابْنَ آدَمَ خُلِقَ عَلَى صُورَةِ الرَّحْمَنِ تَعَالَى». [حدیث ۸] (طبرانی، بی تا: ۳۲۹/۱۲)

اگر مرجع ضمیر، حضرت آدم علیہ السلام باشد، روایت این گونه معنا خواهد شد: «خدا، انسان ہا را شبیہ حضرت آدم آفریدہ است». این معنا بدیہی است و نیاز بہ بیان ندارد. (طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۵۲) اگر مرجع ضمیر، لفظ جلالہ «اللہ» باشد، روایت بہ این معناست: «خداوند، انسان را شبیہ صورت خودش (خدا) آفرید». در این صورت، این مشکل جدید پدید می آید کہ خداواری انسان در آفرینش ملازم با نسبت دادن صورت، تمثال و ہیئت بہ خداوند متعال است. در آخر، اگر مرجع ضمیر بہ شخصی خارج از متن حدیث بازگردد، نیاز بہ قرینہ ای است کہ بر آن دلالت کند.

نقل های مختلف، تفسیرهای متعدد و خدشه های برخی ناقدان موجب شده است روایت یادشده هم در شمار مشکل الحدیث و هم در دریف اختلاف الحدیث جای گیرد. پژوهش حاضر قصد دارد مسائل مطرح حول مفهوم شناسی این دسته از روایات را از نگاه محدثان بہ تحلیل بنشیند. روایت مورد نظر در نگاه متکلمان و عارفان نیز جایگاهی ویژه دارد، اما مقالہ حاضر صرفاً در مقام پرداختن بہ خوانش ہا و تحلیل های محدثان در این حوزہ ہمت دارد و نظر متکلمان و عارفان، مقام بحث این نوشتار نیست. در صورت، لزوم تنها بہ ارائه گزارش گذرا از آن ہا بسندہ و بہ مقالاتی کہ بہ صورت تخصصی بہ این دیدگاہ ہا پرداختہ اند، ارجاع شدہ است.

۱. برخی نقل ہا نیز بہ جای نہی از ضربہ، بہ دوری از وجہ در مقاتلہ اشارہ کردہ اند: (ابن حنبل، بی تا: ۱۲/۴۶۳ و ۵۱۹؛ نیسابوری، بی تا: ۳۲/۸).

۲. پیشینه و روش پژوهش

روایت «صورت»، تاکنون نظر هفت محقق را به خود معطوف داشته و در چهار مقاله با نگاه عرفانی و دو مقاله با نگاه حدیثی به آن پرداخته‌اند:

فؤادیان در «پرتو حسن در شرح حدیث صورت» (۱۳۸۰)؛ آذرخشی و پهلوان در «تحقیق در متن و اسناد حدیث - ان الله خلق آدم علی صورته - و نقد دیدگاه ابن عربی» (۱۳۸۹)؛ میری در «تفسیر عرفانی حدیث آفرینش انسان بر صورت الهی در اندیشه امام خمینی» (۱۳۹۲) و صمدانیان و آقاداتی در «روایت‌شناسی حدیث - إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ - و چگونگی بازتاب آن در متون منشور سنت اول عرفانی» (۱۳۹۸)، تا حدودی به تحلیل‌های عارفان درباره این حدیث پرداخته‌اند. صفدرتبار در «خداگونگی انسان در آفرینش» (۱۳۸۷)، پاکتچی در «احادیث آفرینش آدم - علی صورته - : چالش‌های فهم در سده‌های دوم و سوم هجری» (۱۳۹۳) و شاکر سلماسی در «بررسی سندی و دلالتی روایت «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ»» (۱۳۹۳) سعی داشته‌اند به بررسی فهم دیگر عالمان یا تحلیل زمان‌صدوری بپردازند. با این حال، هیچ‌یک به روایات صورت به شکل یک مجموعه روایی ننگریسته و تنها نقل کوتاه این روایت را به عنوان یک تکرار روایت بررسی کرده‌اند. هم‌چنین تحلیل رهیافت‌های عالمان با نگاه مشکل‌حدیثی و اختلاف‌حدیثی و ارائه راهکارهای حلی در رفع ابهام‌ها و نیز تعارض این دسته روایات، در حوزه تحقیقاتی این مقالات نگنجیده است.

پژوهش حاضر سعی دارد به شیوه توصیفی - تحلیلی بر این مهم همت گمارد. البته پیش از پیمودن فرآیندهای فهم روایات نیاز است در گام اول، میزان اصالت و وثوق صدوری آن‌ها بررسی شود. پس از گذر از این مرحله، گام دوم، کشف معنای اصیل حدیث و فهم مراد جدی و در پی آن، کشف راه‌حل‌های مشکل و اختلاف متون است. پیمودن مراحل پیش‌گفته، نیازمند نگاه جمعی به تمام روایات هم‌مضمون در این حوزه، تحلیل اسناد، التفات به خاستگاه صدوری و مکتوب احادیث، تحلیل میزان اعتبار منابع، واکاوی‌های رهیافت‌های عالمان و ارائه راهکارهای حلی در رفع تعارض و زدایش غموض این روایات مشکل‌تاب است. از این رو، نخست به اعتبارسنجی صدوری این احادیث پرداخته و بعد به تلاش‌های

دانشوران فریقین در ابهام‌زدایی از فحوای احادیث توجه داده و سرانجام، عهده‌دار تحلیل رهیافت‌ها و ارائه راهکارهای حلی شده است.

۳. تحلیل منابع و خاستگاه صدوری و مکتوب فریقین

قدیمی‌ترین منبع شیعی این حدیث، الکافی است. (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۳۴/۱) پس از آن، دو کتاب التوحید (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۰۳) و عیون اخبار الرضا (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۱۰/۱) آن را نقل کرده است و کنز الفوائد، آخرین ناقل متقدم این متن در شیعه است. (کراجکی، بی تا: ۲۷۴) از آن پس، دیگر عالمان به نقل از همین منابع، گزارشگر این روایتند.

به عنوان قدیمی‌ترین منبع ناقل این روایت در اهل سنت می‌توان از کتب صحیفه همام (ابن منبه، ۱۴۰۶: ۳۰)، المصنف عبدالرزاق (صنعانی، بی تا: ۴۴۴/۹ و ۴۴۵؛ ۳۸۴/۱۰)، المسند (حمیدی، ۱۴۰۹: ۴۷۶/۲)، المسند (ابن حنبل، بی تا: ۲۴۴/۲، ۲۵۱، ۳۲۳، ۴۶۳ و ۵۱۹)، الصحيح (بخاری، ۱۴۰۱: ۷/۱۲۵)، الصحيح (نیشابوری، بی تا: ۳۲/۸) و المعجم الکبیر (طبرانی، بی تا: ۱۱۲/۳۲۹) نام برد.

از این رو، خاستگاه مکتوب حدیث «خداانگاری صورت انسان» در شیعه، ابتدای قرن چهارم و در اهل سنت، نیمه اول قرن سوم است و منابع ناقل روایت، همه در شمار جوامع متقدم روایی هستند و جایگاهی ویژه دارند.

روایت هم طریق شیعی و هم طریق سنی دارد، اما چگونگی نقل میان این دو متفاوت است، به گونه‌ای که سنی بودن طریق اصلی روایت از آن استنباط می‌شود. با دقت در تعبیرهایی هم چون «سئلت أبا جعفر علیه السلام عما یروون» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۳۴/۱) یا «قلت للرضا علیه السلام... إن الناس یروون» (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۰۳) در کلام راویان شیعی درمی‌یابیم که این روایت در زمان امام باقر علیه السلام و امام رضا علیه السلام در میان اهل سنت شایع بود.

چون این روایت با باورهای برخی فرقه‌های اسلامی مبنی بر تشبیه و تجسیم هم‌خوانی دارد، پذیرش مفهوم آن برای شاگردانی هم‌چون محمد بن مسلم یا حسین بن خالد با سؤال همراه است. از این رو، با عرضه حدیث به امام، صحت صدور آن از پیامبر را جویا شدند. چون عمر شریف امام باقر علیه السلام تا سال ۱۱۴ هجری



گزارش شده، پس حدیث، صد و اندی سال پیش از قرن سوم و اوایل قرن دوم میان اهل سنت شایع بوده است. البته شیخ صدوق با طریق دیگری نیز این روایت را به نقل از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آورده است که چهار راوی آخر سند، همه از راویان اهل سنت هستند. از این رو، نقل ایشان، نتیجه را تغییر نمی‌دهد: «... حدثنا الحكم بن أسلم، قال: حدثنا ابن عليّ عن الجريري، عن أبي الورد بن ثمامة، عن علي علیه السلام...». (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۵۲-۱۵۳)

هم‌چنین با توجه به خاستگاه صدور روایت در شیعه و سؤال راویان از امام باقر علیه السلام و امام رضا علیه السلام مشخص می‌شود که نگاه صحیح توحیدی و چگونگی انتساب صورت یا وجه به خداوند متعال در آن عصر، محل بحث و نیازمند تبیین بوده است.

۳-۱. تحلیل متن و اسناد حدیث

این روایت در جوامع حدیثی به گونه‌های متعددی نقل شده است. نقل‌های شیعی معمولاً طولانی‌تر و با پرسش راوی درباره مسموعات خود از اهل سنت و نیز پاسخ امامان همراه است، اما نقل‌های اهل سنت کوتاه و با الفاظ گوناگون گزارش شده‌اند.

دو گونه نقل در منابع شیعی مشاهده می‌شود: گونه اول، سؤال محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام است درباره حدیثی رایج در میان مردم با این مضمون که خداوند متعال، آدم را شبیه صورتش آفریده است. پاسخ امام، صورت را آفریده‌ای حادث می‌داند که خداوند آن را بر دیگر صورت‌ها برگزیده است و اضافه شدن صورت به خداوند را همانند اضافه شدن کعبه و روح به خدا، نوعی اضافه تشریفی می‌شمارد. در واقع، پاسخ امام باقر علیه السلام در عین این که صدور روایت و معنای ظاهری آن را تصدیق می‌کند، به تبیین معنای صورت در خداوند نظر دارد. [حدیث ۱]

گونه دوم، سؤال حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام و نیز نقلی با طریقی سنی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که هر دو، سبب صدور روایت را در بردارند و بسیار به هم شبیه‌اند. سبب صدور به این شکل است که دو نفر با یکدیگر نزاع می‌کردند و به هم دشنام می‌دادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آن‌ها گذشت و منازعه آن‌ها را دید. یکی از آن‌ها

۱. عبدالهادی مسعودی و نیز سید محمدکاظم طباطبایی در کتاب و جزوه درسی چاپی خود در دانشگاه قرآن و حدیث، به اجمال به مفهوم پرداخته‌اند: (مسعودی، ۱۳۸۹: ۵۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۲۴ و ۱۲۵).

به دیگری می‌گفت: «خداوند روی تو و روی هر کس را که شبیه توست، زشت گرداند.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: «به برادر خود چنین مگو؛ زیرا خدای تعالی، حضرت آدم علیه السلام را به صورت او خلق کرد.» [حدیث ۲]
 ناگفته پیداست که میان تحلیل امام باقر علیه السلام و دو حدیث دیگر، در ظاهر، اختلاف وجود دارد.^۱

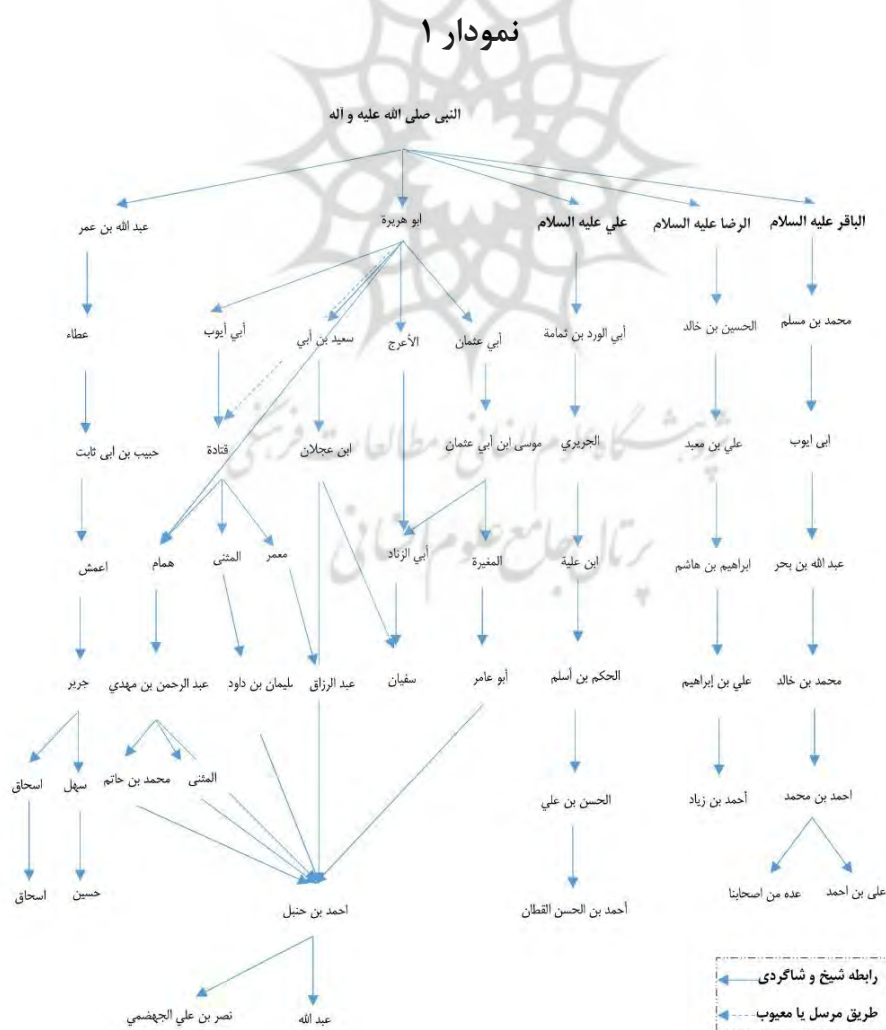
این روایت در جوامع حدیثی اهل سنت سه گونه دارد. گونه اول به نقل از ابوهریره آمده و دچار اضطراب متن است به این معنا که گاه در قالب منع از ضربه زدن به صورت یا دوری از وجه در قتل [حدیث ۶]؛ گاه در مقام منع از دشنام وجه [حدیث ۲] و گاه تنها به بیان خلقت آدم بر صورتش [حدیث ۳] بسنده شده است. این روایت تنها در معجم کبیر طبرانی به نقل از فرد دیگری (عبدالله بن عمر) نیز آمده که در آن، عبارت «صورت الرحمان تعالی» جای‌گزین کلمه «صورت» شده [حدیث ۸] که به اذعان خود اهل سنت، دچار نقل معنا [یا به عبارت صحیح‌تر، تصحیح راوی] است و این گویش از حدیث ناصحیح و غلط است. (نک: نووی، ۱۴۰۷: ۱۶/۱۶۶) از این رو، همان عبارت «صورت»، متن اثبات‌شده حدیث خواهد بود.

در هیچ یک از منابع موجود اهل سنت، سبب صدور روایت نیامده است. در منابع شیعی، ابوالفتح کراچکی (۴۴۹ ق) این حدیث را با سندی از اسناد پرتکرار اهل سنت نقل می‌کند که گزارشگر همان سبب صدور است [حدیث ۹] (کراچکی، بی تا: ۲۷۴). این سخن به آن معناست که صاحب کنز الفوائد در قرن پنجم به منبعی از منابع اهل سنت دسترسی داشته که اکنون موجود نیست؛ همان گونه که صدوق به طریقی از طرق اهل سنت دسترسی داشته است که اکنون در هیچ یک از منابع سنی و شیعه وجود ندارد. (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۵۲ - ۱۵۳) از این رو، تمام نقل‌های اهل سنت همانند گونه دوم روایات شیعی هستند، اما بدون اظهار فضای صدور.

۱. تاریخ رحلت امام باقر علیه السلام را با اختلاف پنج سال، از ۱۱۳ تا ۱۱۸ ذکر کرده‌اند، اما بیش‌تر مورخان شیعی و سنی وفات آن حضرت را در ۱۱۴ دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۹/۴۶؛ ابن عماد، ۱۴۰۶: ۷۲/۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۰۱/۴)

بنا بر آن چه گفته شد و نیز با ترسیم «شبکه اسناد» روایت (نمودار ۱) مشاهده می‌شود که نقل‌های شیعی هر یک به تفکیک به صورت «مفرد» گزارش شده است، اما این روایت با احتساب نقل شیعی و سنی و با داشتن حداقل ۵ راوی در هر طبقه، به ظاهر «مشهور» خواهد بود.

این نگاه ظاهری قابل‌خنده است؛ چون در نقل ابن عمر می‌توان تشکیک کرد و دیگر نقل‌ها نیز محل بحثند. امامان این متن را گزارش نکرده و تنها در پاسخ راویان که از متن موجود در اهل سنت پرسیده‌اند، به گونه‌ای آن را شرح کرده‌اند. پس این طرق، طریق شیعی محسوب نمی‌شوند. در ادامه از وجوه تشکیک در نقل ابن عمر بحث خواهد شد و چه بسا بتوان ابوهریره را راوی انحصاری این روایت معرفی کرد.



۴. تحلیل مشکل و رویکردهای حلی

گفته شد که مشکل این مجموعه روایی، نامعلوم بودن مرجع ضمیر «ه» در «صورت» است. رویکردهای اندیشوران در رفع اشکال این روایت اعم از پذیرش، تأویل، توقف یا انکار، در ادامه به تصویر کشیده شده است.

۴-۱. رویکرد پذیرشی

گروهی، فرقه مشبهه یا حشویه، (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۴۵۰/۷؛ آمدی، ۱۴۲۳: ۴۶۶/۱؛ طوسی، ۱۴۰۵: ۴۴۹؛ جوینی، ۱۴۱۶: ۷۰) اهل تناسخ، (استرآبادی، ۱۳۸۲: ۲۱۸) و مجسمه، (ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۷، به نقل از قاضی ابویعلی) را بر این باور می‌دانند که خداوند سبحان به صورتی همانند صورت حضرت آدم علیه السلام متصور است.

ابن قتیبه از اهل سنت تنها کسی است که پذیرش مطلق مراد ظاهری روایت را به صراحت اظهار داشته است و می‌گوید: «نسبت دادن صورت به خداوند، عجیب‌تر از نسبت دادن دو دست، انگشتان و چشم نیست که در قرآن آمده است. مردم با این تعبیرها مأنوسند؛ چون در قرآن آمده است، ولی از تعبیر صورت وحشت دارند؛ چون در قرآن نیامده است. به اعتقاد من، باید به همه این تعبیرها ایمان داشته باشیم و درباره کیفیت و حد هیچ یک از این موارد نباید سخنی گفت.» (دینوری، بی تا: ۲۱۷-۲۲۱) در واقع، او به تشبیه بلاکیف معتقد است؛ نظری که حتی هم‌مذهبان هم چون ابن جوزی نیز آن را نقد کرده‌اند. (ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۷)

۴-۲. رویکرد تأویلی

به جز اندک موارد، تقریباً هیچ یک از عالمان اعم از محدثان، متکلمان، فلاسفه و عارفان، مراد ظاهری روایت را به صورت مطلق، صحیح ندانسته‌اند. حتی ابن عربی که در نگاه عرفانی خود، مدافع ظاهر حدیث و دارای نظرهای شاذ است، مدلول واژه «صورت» را تجسیم خداوند سبحان ندانسته است و به تبیین و تأویل چگونگی خلقت انسان بر صورت خداوند دست می‌آویزد. محصول تلاش عالمان در تبیین مراد روایت، ارائه وجوه تأویلی به این شرح است:



۴-۱-۱. فرض عود ضمیر «ه» به خداوند متعال

عالمانی که معنای روایت را «خداواری خلقت انسان در صورت» فرض می‌کنند؛ همسانی در صورت را به هشت معنا تفسیر کرده‌اند:

۴-۱-۱-۱. دلالت بر اضافه تشریفی

اضافه شدن صورت به خداوند متعال از نوع اضافه تشریفی است. این نگاه که بر حدیث امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۳۴/۱) منطبق است، نسبت صورت به خداوند را از نظر شرافت بخشی به انسان معنا می‌کند؛ همان گونه که گفته می‌شود بیت الله، روح الله و شبیه آن. سید مرتضی، اولین عالم شیعی است که یکی از وجوه معانی این روایت را «تشریف» می‌داند (۱۳۲۵: ۴۶/۳ - ۵۳). صدرالمتألهین، (۱۳۶۶: ۳۹۶/۳) فیض کاشانی، (۱۴۰۶: ۴۱۵/۱) علامه مجلسی، (۱۴۰۴: ۲/۸۴؛ ۱۴۰۳: ۱۲۱/۱۱) و ملا صالح مازندرانی (۱۴۲۱: ۱۶۳/۴) از دیگر عالمان شیعی و ابن جوزی (۱۴۱۳: ۱۴۴) و نووی (بی تا: ۱۶/۱۶) نیز از عالمان اهل سنت با این وجه معنایی موافقت می‌کنند.

باید گفت که تحلیل روایت امام باقر علیه السلام با تفسیر عالمانی که نسبت صورت به خداوند را اضافه تشریفی می‌دانند، متمایز است؛ چون آنان اضافه شدن صورت انسان به خدا را از نظر اضافه شدن و نسبت داده شدن به خود خداوند متعال موجب شرافت انسان می‌دانند، نه همسانی در خلقت با «مخلوقی حادث» از مخلوقات خداوند متعال که آن مخلوق، شریف و ویژه است. به نظر می‌رسد یکی از وجوه محتمل سید مرتضی، (۱۴۰۹: ۱۲۷) کراچکی، (بی تا: ۱۶۷/۲) فیض کاشانی (۱۴۰۶: ۴۱۵/۱) و قاضی سعید قمی (بی تا: ۲۳۷/۲)، ناظر بر این معنا باشد، آن جا که قائلند خداوند، انسان را شبیه صورت مخلوقی آفریده که آن را برگزیده است.

۴-۱-۱-۲. دلالت بر اضافه تشبیهی

صدرالمتألهین (۱۳۶۶: ۳/۳۹۵ و ۳۹۶) با تشبیه انسان به شیخ کبیر، پس از آن که میان قلب و عرش، کرسی و بینی انطباق داده است، صورت را به ذات خداوند اضافه می‌کند. علامه شعرانی در تعلیقه بر شرح ملا صالح مازندرانی، این عمل ملاصدرا را اضافه از نظر اضافه تشبیهی به صفات، بدون انفعال و تأثر در نظر گرفته است. (مازندرانی، ۱۴۲۱: ۱۲۵/۴ - ۱۲۷)

۴-۱-۱-۳. دلالت بر اضافه تخصیصی

برخی از اهل سنت این اضافه را اضافه تخصیصی می‌انگارند، به این معنا که انسان در سلطنت، نفوذ امر و حاکمیت بر دیگر مخلوقات، به رب سبحان شبیه است و این از ممیزات و مختصات انسان است. (ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۷، به نقل از: ابن عقیل)

۴-۱-۱-۴. دلالت بر فعل خدا بودن و خلقت بی‌واسطه

برخی، روایت را در مقام بیان خلقت بی‌واسطه انسان می‌دانند یعنی انتفاع شک از این که خلقت انسان، تألیف غیر خداوند متعال باشد. (سید مرتضی، ۱۳۲۵: ۴۶/۳ - ۵۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۱۸۳) بنا بر این، شکل دهی به آدم علیه السلام، فعل انحصاری خداوند متعال است بدون دخالت ملک مصور در ارحام؛ زیرا تألیف توسط غیر خدا در مواردی است که مقدر بشر باشد. جواهر و اجناس مشابه آن‌ها از مواردی است که تنها خداوند بر خلق آن‌ها قدرت دارد. (سید مرتضی، ۱۴۰۹: ۱۲۸)

۴-۱-۱-۵. دلالت بر مثلیت در صفات کمالیه خداوند

ابن ابی‌جمهور با بیان این که مراد از «صورت» در این جا صورت معنوی است، خلقت حضرت آدم علیه السلام را بر اساس صورت معنوی می‌داند که در این صورت معنوی به خداوند شباهت دارد. پس حضرت آدم علیه السلام دارای صفات و کمالاتی است که از جهتی مناسب و مماثل با صفات الهی است. (۵۳: ۱۴۰۳) صدرالمتألهین، (۱۳۶۶: ۳/۳۹۵ و ۳۹۶) فیض کاشانی، (۱۳۸۷: ۱۱۹/۳) قاضی سعید قمی، (بی تا: ۲/۲۳۵-۲۳۸) علامه مجلسی (۱۴۰۴: ۲/۸۴؛ ۱۴۰۳: ۱۱/۱۲۱) و محقق سبزواری (۱۳۸۳: ۳۴۷/۱) به همین وجه معنایی حدیث معتقدند.

تحلیل امام خمینی از این وجه، بسیار شبیه قول صدرالمتألهین و تقریباً جامع‌ترین بیان این وجه است. از نگاه ایشان، انسان کامل، مظهر اسم جامع و آئینه تجلی اسم اعظم است یعنی آدم، مثل اعلای حق و مظهر اتم و مرآت تجلیات اسما و صفات مانند وجه‌الله، عین‌الله و یدالله است. انسان کامل که آدم ابوالبشر، یکی از مصداق‌های آن است، بزرگ‌ترین آیات و مظاهر اسما و صفات و مثل و آیت حق تعالی است و خدای تبارک و تعالی از «مثل» یعنی شبیه، منزه و مبراست، ولی ذات مقدس را نباید از «مثل» به معنای آیت و علامت، تنزیه کرد: «وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى». (بی تا: ۶۳۵ و ۶۳۶)



ابن جوزی از اهل سنت نیز اولین بار این نظر را به صورت بسیار گذرا بیان کرده است (۱۴۱۳: ۱۴۴) و پس از او، ابن عربی نزدیک به این معنا را با اشاره به مقام خلیفه‌اللهی انسان طرح می‌کند. (بی تا: ۱۲۹/۲) البته برخی تعبیرهای ایشان محل نقد است. او از جمله عارفانی است که خداگونگی انسان را به سه معنای متفاوت از نگاه دیگران دانسته است. (همان) البته ایشان محدث نیست و نظرهای ایشان بیش‌تر جنبه عرفانی و برداشت‌های شخصی و ذوقی وی از روایت است که تحلیل و نقد آن در گستره پژوهش حاضر نیست. با این حال، چون در برخی موارد، نظر او بر دیگر عالمان و محدثان اثرگذار بوده است، به صورت گذرا به آن‌ها اشاره می‌شود و بسط آن به مقالات تخصصی در این حوزه ارجاع می‌شود. (آذرخشی و پهلوان، ۱۳۸۹)^۱

۴-۱-۱-۶. دلالت بر توحید ذاتی

اولین فرض او، دلالت روایت بر توحید ذاتی است. تلقی او از صورت خداوند، بر عقیده وی به وحدت وجود و تجلی ذات خداوند در هستی مبتنی است که آن را توحید ذاتی خدا می‌داند. او تصریح می‌کند که «خداوند، آدم را بر صورت خودش خلق کرده و انسان، مجموع عالم است و علم خداوند به عالم، چیزی جز علم او به خودش نیست؛ زیرا در عالم، چیزی جز او نیست. پس ناگزیر، عالم باید بر صورت خدا باشد. هنگامی که خدا، عالم را در عینیتش ظاهر کرد، عالم، تجلی‌گاه او شد. خدا با نگاه به عالم، جز خودش را نمی‌بیند؛ پس جمال خویش را دوست دارد و عالم، جمال خداست». (ابن عربی، بی تا: ۳۴۶/۲) از نگاه وی، خداوند، عالم را نیافریده است جز بر صورت خویش و او زیباست. پس تمام عالم زیباست. (همان: ۵۴۲)

قاضی سعید قمی نیز هم‌اعتقاد با ابن عربی، این روایت را دال بر وحدت ذات می‌داند و خلقت انسان را مبتنی بر خلقت اسم جامع حقایق می‌شمارد. به تعبیر دیگر، انسان به منزله مرکز ظهور حقایق است، چنان که اسم الله، مرکز بطون و ظهور است. (بی تا: ۲۳۶/۲)

۱. عدم موافقت مغایبی دو حدیث (دو دستخط ادیب) با یکدیگر به گونه‌ای که دوطرفه از نظر مغایرت ادجلوه کنند، اختلاف حدیث‌نام دارد که اخه‌ای از دانشج‌ای حدیثی است. (شهیدثانی ۸: ۱۴: ۱۲۴)

۴-۱-۱-۷. دلالت بر توحید افعالی

نظر دوم ابن عربی بر این است که روایت بر توحید افعالی دلالت دارد. به باور او، چون خداوند، انسان را بر صورت خود خلق کرده است، هر کاری که انسان انجام می‌دهد، در واقع، خدا انجام داده است. (ابن عربی، بی تا: ۴۷۱/۳) البته این نظر، سرانجامی همسان با باور جبرگرایان خواهد داشت که نقد هم شده است. (نک: آذرخشی و پهلوان، ۱۳۸۹: ۱۱-۳۴)

۴-۱-۱-۸. دلالت بر صحت تصوره‌های انسان درباره خداوند

چهارمین برداشت ابن عربی از این روایت، صحیح شمردن تمام تصورهایی است که انسان از خداوند متعال دارد. از نگاه او، مراد از صورت، با فرض ارجاع ضمیر «ه» به خدا، صورت اعتقاد درباره خداست که انسان در نفس یا نظر یا وهم و خیال خود می‌آفریند و می‌گوید که این پروردگار من است و آن را می‌پرستد؛ چون خدا در انسان نیروی تصور را قرار داده و او را جامع تمام حقایق عالم کرده است. پس در هر صورتی که به پروردگار خود معتقد باشد و او را پرستد، از صورت حقیقی خدا خارج نخواهد شد. (ابن عربی، بی تا: ۲۱۲/۴)

فرض عود ضمیر «ه» به آدم ﷺ

عالمان با فرض این که مرجع ضمیر «ه»، حضرت آدم ابوالبشر باشد، سه وجه معنایی از حدیث برداشت کرده‌اند:

خلقت دفعی آدم ﷺ

سید مرتضی (۱۳۲۵: ۴۶/۳ - ۵۳) و کراچکی (بی تا: ۱۶۷/۲) از شیعه و ابن جوزی (۱۴۱۳: ۱۴۴) از اهل سنت، با اشاره به این که پیدایش آدم ﷺ بدون سپری کردن مراحل است که انسان از بدو انعقاد نطفه می‌پیماید، این حدیث را ناظر به آفرینش دفعی و یک‌باره حضرت آدم ﷺ دانسته‌اند. این به نوعی ردیه‌ای بر نظر مادی‌گراهاست که خلقت انسان را تنها از طریق نطفه می‌دانند. (فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۱۸۲)

خلقت ابداعی آدم ﷺ

از دیگر وجوه معنایی، اشاره حدیث به بدون الگو بودن خلقت آدم ﷺ است. (سید مرتضی، ۱۳۲۵: ۴۶/۳ - ۵۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۴) به دیگر سخن، خداوند،



آدم ﷺ را به صورت ابداعی و بدون نمونه سابق آفرید و از صورت و حال دیگری نیافرید.

تغییر نکردن صورت آدم ﷺ

سید مرتضی، وجه دیگر معنای حدیث را این می‌داند که خداوند، حضرت آدم ﷺ را به همان صورتی خلق کرد که از دنیا رفت و در صورت او، هیچ کم و زیادی ایجاد نشد، چنان که همه بشر به همین شکل هستند. (۱۴۰۹: ۱۷۶) ملا صالح مازندرانی، لایتغیر بودن صورت آدم ﷺ را به گونه‌ای دیگر بیان کرده و گفته که مراد این است که خداوند، صورت آدم ﷺ را به همان صورتی خلق کرد که پیش از هبوط و در بهشت بود و این گونه نبود که صورت ایشان پس از هبوط تغییر کرده باشد. (۱۴۲۱: ۴/ ۱۲۵-۱۲۷)

فاضل مقداد نیز می‌گوید که بر خلاف تفکرهای باطل، حضرت آدم ﷺ هنگام اخراج از بهشت با مسخ شدن عقاب نشد و خلقتش تغییر نکرد، بلکه پیش از اخراج نیز همین گونه بود. (۱۴۲۲: ۱۸۲) ایشان هم چنین حدیث را در مقام ردّ باوری می‌داند که خلقت حضرت آدم ﷺ را به گونه‌ای متفاوت، بسیار عظیم‌الجثه و بلندقامت ترسیم می‌کند که سرش به آسمان می‌رسید. بنا بر این، از نگاه او، حدیث در مقام بیان شباهت خلقی حضرت آدم ﷺ با دیگر نوع بشر است. (همان)

فرض عود ضمیر «ه» به فرد مضروب

مطابق با نقل‌های ناظر به سبب صدور، مرجع ضمیر می‌تواند فرد مضروب و شخص ثالثی باشد که در سبب صدور و بخش تقطیع شده حدیث به آن اشاره شده است. برخی عالمان هم چون شیخ صدوق (۱۳۶۸: ۱۵۲ و ۱۵۳؛ ۱۴۰۴: ۱۱۰/۱) از شیعه و ابن حجر (بی تا: ۱۳۳/۵) از اهل سنت، این وجه معنایی را بر دیگر وجوه ترجیح داده‌اند.

تغییر و تصرف در معنای شایع برخی واژگان روایت

در نگاهی متفاوت، محقق سبزواری، مشکل حدیث را با تصرف در معنای واژگان آن حل کرده است. ایشان، مراد از «آدم» را انسان کبیر و عالم گرفته و گفته است: «نزد ما، عالم صورت، صورت انسان کامل محمدی است که روحانیت او «عقل کل»

است». (سبزواری، ۱۳۸۳: ۹۱/۱) این نظر تا حدودی به نظر امام خمینی نزدیک است، اما نوع تعبیر و زاویه نگاهش کمی متفاوت می‌نماید. در کلام امام خمینی از مرجع ضمیر بحث می‌شود، اما در کلام محقق سبزواری، در مفهوم واژه «آدم» تصرف شده است.

ابن جوزی، واژه «صورت» را به معنای «صفت» گرفته است. از منظر او، آدم علیه السلام بر صفات خداوند متعال اعم از حیات، علم، قدرت، سمع و بصر خلق شده و از همین باب با جمیع ملایکه و حیوانات متمایز است. (۱۴۱۳: ۱۴۷) تفتازانی از اهل سنت و فاضل مقداد از شیعه نیز این را محتمل دانسته‌اند که صورت، صفت معنا شود، اما صفتی که هر شیء بر آن قائم است، نه صفات الله متعال. (تفتازانی، ۱۴۰۸: ۸/۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۱۸۳) ابن عربی (بی تا: ۱۲۴/۲) و قاضی سعید قمی (بی تا: ۲/۲۳۴) با تصرف در معنای کلمه «صورت»، آن را به معنای «علم» دانسته‌اند. به این ترتیب، خلقت آدم بر صورت خداوند یعنی خلقت بر علم خداوند متعال.

تقریباً می‌توان گفت تمامی این دانشوران با نگاه غریب الحدیثی به روایت نظر دارند و با تصرف در معنای شایع برخی واژگان و ارائه معنای جدید از لغت، بر رفع مشکل حدیث همت گمارده‌اند.

مجاز از مسیح

برخی از اهل سنت، «آدم» را مجاز از «عیسی مسیح» برشمرده‌اند و روایت را بدین معنا می‌دانند که خداوند متعال، عیسی علیه السلام را مانند چهره و صورت خود بیافرید. (بغدادی، ۱۹۹۲: ۱۱۳؛ مشکور، ۱۳۷۲: ۱۵۰) البته این وجه تأویلی نه تنها هیچ کمکی به حل مشکل روایت نمی‌کند، بلکه مشکل خلقت عیسی علیه السلام بر صورت خدا را به همان قوت مشکل خلقت آدم علیه السلام بر صورت خدا به مسئله می‌افزاید. نکته مهم‌تر آن است که دلیل این تأویل نیز نامشخص است.

رویکرد توقفی

ابن جوزی از اهل سنت، تنها عالمی است که یکی از رویکردهای صحیح نسبت به روایت را «سکوت و توقف» اعلام می‌کند. (ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۴)

رویکرد انکاری

عالمانی از شیعه و سنی، این روایت را در شمار مجعولات یا محزفات در نظر گرفته‌اند. از نگاه ایشان، این روایت یا کاملاً مجعول است یا جزئی از آن تحریف شده است. مجموع نظرهای ایشان در سه بخش جای می‌گیرد:

مجعول و اسرائیلی بودن^۱

چون این روایت عیناً در تورات، در سفر پیدایش، فرازهای ۵ و ۹ آمده است، (تورات، ۱۹۰۴: سفر پیدایش، فقره ۵ و ۹) بعضی محققان آن را آموزه‌های ابوهیره از کعب الاحبار دانسته‌اند که چون برای دیگران بازگو کرده است، برخی، آن را حدیث پیامبر پنداشته‌اند. عالمانی از شیعه (هاشمی خویی، ۱۳۶۰: ۲۴۴/۱۷؛ شرف‌الدین عاملی، بی تا: ۵۵؛ مظفر، ۱۴۲۲: ۱۷۰/۴؛ سبحانی، ۱۴۱۹: ۳۸۲) و اهل سنت (ابوریه، ۱۹۷۰: ۲۴۷) بر این باورند.

برخی از عالمان شیعی نیز روایت را از مجعولات برشمرده‌اند، اما دلیل ایشان اسرائیلی بودن نیست، بلکه محتوای تشبیهی روایت و طریق سنی آن، دلیل انکار است. (جزایری، ۱۴۱۷: ۲۶۲/۱ - ۲۶۴؛ سبحانی، ۱۴۱۹: ۳۸۱ - ۳۸۷) فضل بن شاذان، اولین کسی است که بر این باور است و این روایات را در ردیف مفتریات بسته‌شده به پیامبر اکرم ﷺ محسوب می‌کند. (ابن شاذان، ۱۳۵۱: ۱۴)

پس از او، سید بن طاووس، به طور کلی، ناقلان سنی این روایت را عتاب می‌کند که چرا چنین روایتی را به پیامبر نسبت می‌دهند: «آیا عاقل تعجب نمی‌کند از این روایاتی که ایشان در صحاح خود نقل می‌کنند؟ برخی که مدعی مسلمان بودن هستند، تا این حد به خداوند اهانت می‌کنند و به پیامبر بی‌احترامی کرده‌اند؟»

۱. در مقاله «تحقیق در متن و اسناد حدیث «ان الله خلق آدم علی صورته» و نقد دیدگاه ابن عربی»، (مصطفی آذرخشی و منصور پهلوان، ۱۳۸۹) به طرح دیدگاه‌های ابن عربی و نقد آن به دقت پرداخته شده است. هم‌چنین در مقالات محسن صمدانیان و سمانه السادات آقاداتی، ۱۳۹۸؛ محمدحسن فؤادیان و محمد میری، ۱۳۹۲ به نگرش‌های عرفانی درباره این روایت پرداخته‌اند.

۲. در مقاله «خداگونگی بلند ان در آفرینش»، تحقیق فاسبی از اقوال یهودیان و مسیحیان در این باب ارائه شده است. کلذ: صفرتب. ار، ۳۸۷، (۱).

۳. انسان شبیه خدا آفریده شده است. (تورات، ۱۹۰۴: سفر پیدایش، فقره ۹)؛ خداوند، انسان را شبیه خود آفریده است. (تورات، ۱۹۰۴: سفر پیدایش، فقره ۵)

تعجب از کسانی است که معتقدند فساد این روایت در صورتی است که ضمیر در «صورت» را به خداوند برگردانند و اگر ضمیر به آدم علیه السلام برگردد، مشکلی وجود ندارد، در حالی که فساد این نظر روشن است.» (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۳۵۰) در نتیجه، ایشان هر نوع برداشت از حدیث را باطل می‌شمارد؛ چرا که اصل حدیث مجعول است.

از نگاه علامه حلی نیز «این خبر و مانند آن برای خداوند، صورتی مانند صورت انسان ثابت کرده‌اند و خداوند را به خلقش شبیه کرده‌اند. این قول، تجسیم و کفر است و قابل تأویل نیست. خداوند، صورت کسانی را که چنین روایاتی را جعل کرده‌اند [یا آن‌ها را به غلط معنا کرده‌اند] زشت گرداند.» (مظفر، ۱۴۲۲: ۱۶۷/۴)

تضعیف و جرح راویان

پیش‌تر گفته شد که ناقل این روایت در طبقه صحابه، دو نفر (ابوهریره و ابن عمر) در طرق اهل سنت هستند و بیش‌ترین طریق به ابوهریره بازمی‌گردد. گروهی از عالمان اهل سنت اعم از ابن جوزی (۱۴۱۳: ۱۴۶) و ابن ابی‌عاصم (۱۴۱۳: ۲۲۸) در طریق ابن عمر تشکیک کرده‌اند. برخی هم چون نووی، طریق روایت او را ضعیف شمرده و متن روایتش را نیز دچار نقل معنای نادرست خوانده و مردود شمرده‌اند. (نووی، بی تا: ۱۶۶/۱۶) البته بیش‌تر ایشان، طریق ابوهریره را صحیح می‌دانند. (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۱۷۹/۵؛ ذهبی: ۴/۱۹۹) ثمره چنین نگاهی این است که روایت صورت، از «منفردات ابوهریره» به شمار آید.

علاوه بر این، مالک بن انس، حتی طریق ابوهریره را نیز به دلیل عالم نبودن راویان آن صحیح نمی‌داند و صدور حدیث را کاملاً انکار می‌کند. (عقیلی، ۱۴۱۸: ۲/۲۵۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۱/۲۸)

تقطیع و تحریف

شیخ صدوق با استناد به روایت امام رضا علیه السلام، قائل است که فرقه مشبهه [به عمد، بخش اول حدیث را که ناظر بر سبب صدور است]، تقطیع و مردم را گمراه کرده‌اند. (۱۳۶۸: ۱۵۲) سید بن طاووس نیز قائل به تقطیع و تحریف حدیث توأمان است. از نگاه وی، اصل حدیث چنین است: «خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي صَوَّرَهَا فِي اللُّوحِ الْمَحْفُوظِ». پس حدیث مورد نظر، گویای این حقیقت است که آفرینش



انسان مطابق با همان صورتی است که خداوند در لوح محفوظ مشیت کرده است. (۱۳۶۹: ۳۴) از این رو، حذف بخش دوم حدیث و تغییر واژه «صورت» به «صورت» از جمله آفاتی است که حدیث به آن دچار گشته است. ایشان در تعلیل نظر خود، مستندی ارائه نداده و نگفته که این نقل از حدیث را کجا مشاهده کرده که بر خلاف نقل‌های موجود و در دسترس است.

راهکار حل تعارض اخبار

اشاره شد که در نقل‌های شیعی، میان روایات خداانگاری خلقت صورت انسان، دودستگی و تعارض وجود دارد. مهم‌تر آن که در هر دو روایت، امام در مقام پاسخ‌گویی به پرسش راوی است که از چیستی و صحت نقل‌های اهل سنت نسبت به پیامبر سؤال می‌کند. پس مقام بحث هر دو امام یکسان است.

چون نمی‌توان در آن واحد، هم قائل به وجود صورت و مفهوم تأویلی آن شد و هم آن را رد کرد، عالمان سعی کرده‌اند این تعارض را با تراوش‌های ذهنی خود حل کنند. عالمان متقدم به این تعارض اشاره‌ای نکرده‌اند، اما از متأخران، علامه مجلسی با این که سند روایت کافی (روایت امام باقر علیه السلام) را ضعیف می‌شمارد، عدم نفی امام نسبت به روایت تقطیع شده و پاسخ ایشان را از باب تقیه فرض می‌گیرد. امام، حدیث را به گونه‌ای بیان کرده است که با تعالیم توحیدی اسلام سازگار باشد یا این که مفروض امام، تقطیع نشدن روایت باشد. (۱۴۰۴: ۱/۲ شرح، ۸۴؛ ۱۴۰۳: ۱۲۱/۱۱)

علامه مجلسی، اختلاف دو روایت را با دو وجه یادشده حل می‌کند و توضیحی درباره‌ی وجه دوم خود ارائه نمی‌دهد. ملاصالح مازندرانی، هدف امام باقر علیه السلام را از تفسیر روایت، تذکر این نکته می‌داند که بر فرض پذیرش اصل آن هم هیچ دلالتی بر تشبیه و اثبات صورت برای خداوند نمی‌کند. (مازندرانی، ۱۴۲۱: ۳۰۳/۳) خوبی علاوه بر باورمندی به صدور تقیه‌ای حدیث می‌گوید که امام در مقام دفع شبهه تشبیه است و در مقام بیان صحت و عدم تحریف روایت نیست. منظور امام این است که به فرض صحت هم باید حدیث را به غیر تشبیه معنا کرد. (۱۳۶۰: ۴۷/۲) نظر ایشان همان تشریح نظر مازندرانی است.

به باور امام خمینی در کتاب چهل حدیث، لازم نیست که روایت را بر تقیه حمل

کنیم؛ زیرا ممکن است هر دو روایت صادر شده باشد؛ در موقعیت و شرایطی با تبیین امام رضا علیه السلام و با سابقه و در موقعیت دیگر با تبیین امام باقر علیه السلام و بی سابقه. (نک: خمینی، بی تا: ۶۳۲/۳۷) بنا بر این، فرض صدور چندبارہ روایت، در شرایط و مقام‌های مختلف، راه دیگر حل این تعارض به شمار می‌رود. علاوه بر این، ایشان محتمل می‌داند که بتوان حدیث امام رضا علیه السلام را به حدیث اول ارجاع داد و مقصود از «آدم»، نوع آدمی باشد و ضمیر «علی صورته» به حق تعالی برگردد. در واقع، امام رضا علیه السلام به مناسبت آن که راوی، اهل فہم معنای حدیث نیست و قدرت تحملش پایین است، صدر حدیث را نقل فرموده است که آن شخص توهم کند مراد از آدم، حضرت ابوالبشر است و ضمیر «علی صورته» به آن شخص برگردد. (نک: خمینی، بی تا: ۶۳۲/۳۷)

حاصل آن است که این روایت در زبان دانشوران، مسیری از پذیرش تا انکار را پیموده است و آن را از پرچالش‌ترین روایات در حوزه توحید می‌توان برشمرد؛ چون با بیش از ۲۲ برداشت و وجه معنایی در فرض‌های مختلف از سوی عالمان روبه‌رو گشته است. همه عالمان شیعی و نیز عمده عالمان اهل سنت در صورت پذیرش «خلقت خداگونه صورت انسان»، آن را به غیر معنای تجسیم تأویل کرده‌اند. حتی جمهور سلف اهل سنت که عمدتاً قائل به تشبیه بلاکیف هستند، در پذیرش این روایت، احتیاط را شرط دانسته و روایت را بر خلاف ظاهرش حمل کرده‌اند (نووی، بی تا: ۱۶۶/۱۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۳: ۱۴۵-۱۴۷) که جای بسی تأمل است.

نتیجہ گیری

خاستگاه مکتوب حدیث «خداانگاری صورت انسان» در شیعه، ابتدای قرن چهارم و در اهل سنت، نیمه اول قرن سوم است و همه منابع ناقل روایت در شمار جوامع متقدم روایی هستند و جایگاهی ویژه دارند. این روایت با احتساب نقل شیعی و سنی و با داشتن حداقل پنج راوی در هر طبقه، به ظاهر «مشهور» خواهد بود. البته این نگاه ظاہری، قابل خدشه است؛ چون امامان این متن را گزارش نکرده و تنها در پاسخ راویان که از متن موجود در اهل سنت پرسیده‌اند، به گونه‌ای آن را توجیه کرده‌اند. این طرق، طریق شیعی محسوب نمی‌شوند. هم‌چنین با وجود

تشکیک در نقل ابن عمر چه بسا بتوان ابوهریره را راوی انحصاری این روایت معرفی کرد.

این روایت در نگاه دانشوران فریقین، مسیری از پذیرش تا انکار را پیموده است و آن را از پرچالش‌ترین روایات در حوزه توحید می‌توان برشمرد؛ چون با بیش از ۲۲ برداشت و وجه معنایی در فرض‌های مختلف از سوی عالمان روبه‌رو گشته است. همه عالمان شیعی و نیز عمده عالمان اهل سنت در صورت پذیرش «خلقت خداگونه صورت انسان»، آن را به غیر معنای تجسیم تأویل کرده‌اند. حتی جمهور سلف اهل سنت که عمدتاً قائل به تشبیه بلاکیف هستند، در پذیرش این روایت، احتیاط را شرط دانسته و روایت را بر خلاف ظاهرش حمل کرده‌اند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی عاصم، عمرو، (۱۴۱۳)، کتاب السنة، بیروت: المکتب الاسلامی.
۳. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۳)، عوالی اللئالی العزیزه فی الاحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسه سیدالشهدا.
۴. ابن تیمیه، احمد، (بی تا)، الفتوی الحمویه الکبری، تحقیق: محمد بن ریاض الاثری، بیروت: عالم الکتب.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمان، (۱۴۱۳)، دفع شبه التشبیه بأکف التنزیه، تحقیق و تقدیم: حسن السقاف، الأردن: دار الإمام النووي.
۶. ابن حبان، محمد، (۱۴۱۴)، صحیح ابن حبان، تصحیح: شعیب الأرنؤوط.
۷. ابن حجر، احمد بن علی، (۱۴۰۴)، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر.
۸. ابن حجر، احمد بن علی، (بی تا)، فتح الباری، بیروت: دار المعرفة.
۹. ابن شاذان، فضل، الإيضاح، تصحیح: السید جلال الدین الحسینی الأرموی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. ابن طاوس، السید علی بن موسی، (۱۴۰۰)، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم: بی نا.
۱۱. ابن طاوس، السید علی بن موسی، (بی تا)، سعد السعود، قم: دار الذخائر.
۱۲. ابن عربی، محیی الدین، (بی تا)، الفتوحات المکیه، بیروت: دار صادر.

۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۱۵)، تاریخ مدینہ دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
۱۴. ابن عماد، عبدالحی بن احمد، (۱۴۰۶)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، اشراف: محمود ارناؤوط، بیروت: دار ابن کثیر.
۱۵. ابن منبہ، ہمام، (۱۴۰۶)، الصحیفۃ، تحقیق: رفعت فوزی، القاہرہ: مکتبۃ الخانجی.
۱۶. ابوریہ، محمود، (۱۹۷۰)، شیخ المضیرہ ابوہریرہ، مصر: دار المعارف.
۱۷. احمد بن حنبل، (بی تا)، مسند أحمد، بیروت: دار صادر.
۱۸. استرآبادی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، البراہین القاطعۃ فی شرح تجرید العقائد الساطعۃ، قم.
۱۹. آذرخش، مصطفیٰ و منصور پهلوان، (۱۳۸۹)، «تحقیق در متن و اسناد حدیث «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَىٰ صُورَتِهِ» و نقد دیدگاه ابن عربی»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چہل و سوم، شمارہ ۲، صص ۱۱-۳۴.
۲۰. آمدی، سیف‌الدین، (۱۴۲۳)، أبکار الأفكار فی أصول الدین، قاہرہ.
۲۱. البانی، (۱۴۱۳)، کتاب السنہ لحافظ ابی بکر عمرو بن خالد، بیروت: المکتب الاسلامی.
۲۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱)، صحیح البخاری، استانبول: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۳. بغدادی، اسماعیل باشا، (۱۳۳۹)، ایضاح المکنون، تصحیح: رفعت بیلگہ الکلیسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. بن باز، عبدالعزیز، (۱۴۱۶)، مجموعۃ فتاویٰ، ریاض: دار الوطن.
۲۵. پاکتچی، احمد، (۱۳۹۳)، «احادیث آفرینش آدم «علی صورتہ»: چالش‌های فهم در سده‌های دوم و سوم ہجری»، مجلہ مطالعات فهم حدیث، دورہ اول، شمارہ ۱، صص ۹-۲۷.
۲۶. تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۸)، شرح المقاصد، قم: انتشارات شریف رضی.
۲۷. تورات، (۱۹۰۴)، تحقیق و ترجمہ: سید ابوالفضل ساقی، لندن: Unwin Brothers.
۲۸. جزایری، سید نعمت‌اللہ، (۱۴۱۷)، نور البراہین، قم: مؤسسۃ النشر الإسلامی.
۲۹. جوینی، عبدالملک، (۱۴۱۶)، الإرشاد إلی قواطع الأدلۃ فی أول الاعتقاد، بیروت.
۳۰. حمیدی، عبداللہ بن زبیر، (۱۴۰۹)، المسند، تحقیق و تعلیق: حبیب‌الرحمان الأعظمی، بیروت: دار الکتب العلمیہ.
۳۱. خمینی، سید روح‌اللہ، (بی تا)، شرح چہل حدیث، تہران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۲. دینوری، ابن قتیبہ، (بی تا)، تأویل مختلف الحدیث، بیروت: دار الکتب العلمیہ.
۳۳. ذہبی، شمس‌الدین، (۱۴۰۷)، تاریخ الاسلام، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۴. ذہبی، شمس‌الدین، (۱۴۱۳)، سیر أعلام النبلاء، اشراف و تخریج: شعیب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسۃ الرسالہ.

٣٥. ذهبى، شمس الدين، (بى تا)، تذكرة الحفاظ، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٣٦. سبحانى، جعفر، (١٤١٩)، الحديث النبوي بين الرواية و الدراية، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
٣٧. سبزواری، ملاهادی، (١٣٨٣)، أسرار الحكم، قم.
٣٨. سقاف، حسن بن على، (١٤١٠)، فتح المعين، الأردن: مكتبة الإمام النووي.
٣٩. سيد مرتضى، على بن الحسين، (١٣٢٥)، الأمالي، تصحيح و تعليق: السيد محمد بدرالدين النعساني الحلبي، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
٤٠. سيد مرتضى، على بن الحسين، (١٤٠٥)، رسائل الشريف المرتضى، تحقيق: السيد مهدي رجايي، قم: دار القرآن كريم.
٤١. سيد مرتضى، على بن الحسين، (١٤٠٩)، تنزيه الأنبياء، بيروت: دار الأضواء.
٤٢. شاکر سلماسى، مجيد، (١٣٩٣)، «بررسی سندی و دلالي روايت "إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَيَّ صُورَتِهِ"»، سفينه، سال دوازدهم، شماره ٤٥، صص ٥٢ - ٥٨.
٤٣. شرف الدين عاملی، سيد عبدالحسين، (بى تا)، ابوهريره، قم: انصاريان.
٤٤. شهرستاني، محمد بن عبدالكريم، (بى تا)، الملل و النحل، تحقيق: محمد سيد كيلاني، بيروت: دار المعرفة.
٤٥. شهيد ثانی، زين الدين بن على، (١٤٠٨)، الرعاية في علم الدراية، تحقيق: عبدالحسين محمدعلي بقال، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
٤٦. صدرالمتألهين، محمد بن ابراهيم، (١٣٦٦)، شرح أصول الكافي، تهران.
٤٧. صدوق، محمد بن على، (١٤٠٤)، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تصحيح و تعليق و تقديم: الشيخ حسين الأعلمي، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٤٨. صدوق، محمد بن على، (بى تا)، التوحيد، تصحيح و تعليق: السيد هاشم الحسيني الطهراني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة.
٤٩. صفدرتبار، صفر، (١٣٨٧)، «خداگونگی انسان در آفرینش»، ماه نامه علمی - ترویجی معرفت، سال هفدهم، شماره ٩ (پیاپی ١٣٢)، صص ٩١ - ١٠٦.
٥٠. صمدانيان، محسن و سمانه السادات آقاداتی، (١٣٩٨)، «روایت شناسی حدیث «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَيَّ صُورَتِهِ» و چگونگی بازتاب آن در متون منشور سنت اول عرفانی»، پژوهش نامه عرفان، شماره ٢٠، صص ٦٥ - ٩٠.
٥١. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمي، بی جا: منشورات المجلس العلمي.
٥٢. طباطبایی، سيد محمدكاظم، (١٣٩٦)، درآمدی بر فهم احاديث مشكل، قم: دار الحديث.
٥٣. طبرانی، ابوالقاسم سليمان بن احمد، (بى تا)، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي عبدالمجيد

- السلفی، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۵۴. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۴۰۵)، تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، بیروت.
۵۵. عقیلی، محمد بن عمرو، (۱۴۱۸)، الضعفاء الكبير، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵۶. فاضل مقداد، (۱۴۲۲)، اللوامع الالهیة فی المباحث الکلامیة، تحقیق و تعلیق: شهید قاضی طباطبائی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۷. فؤادیان، محمدحسن، (۱۳۸۰)، «پرتو حسن در شرح حدیث صورت»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهل و ششم، شماره ۲ و ۳، صص ۶۳۱-۶۵۴.
۵۸. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، (۱۳۸۷)، رسائل فیض کاشانی، تهران.
۵۹. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، (۱۴۰۶)، الوافی، تحقیق و تصحیح: ضیاءالدین الحسینی، اصفهان: مکتبة الامام أميرالمؤمنین علي عليه السلام.
۶۰. قمی، قاضی سعید، (بی تا)، شرح توحید الصدوق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۱. کراجکی، ابوالفتح، (بی تا)، کنز الفوائد، بی جا: بی نا.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۶۳)، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۶۳. مازندرانی، مولی محمدصالح، (۱۴۲۱)، شرح أصول الکافی، تعلیقات: المیرزا ابوالحسن الشعرانی، ضبط و تصحیح: السید علی عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۶۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۶۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ، تصحیح: السید هاشم الرسولي، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۶۶. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، دانش نامه عقاید اسلامی، قم.
۶۷. مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۸۹)، درس نامه فهم حدیث، قم: زائر.
۶۸. مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، ابوالحسن، (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر.
۶۹. مشکور، محمدجواد، (۱۳۷۲)، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: بی نا.
۷۰. مظفر، محمدحسن، (۱۴۲۲)، دلائل الصدق لنهج الحق، قم.
۷۱. میری، محمد، (۱۳۹۲)، «تفسیر عرفانی حدیث آفرینش انسان بر صورت الهی در اندیشه امام خمینی»، پژوهش نامه متین، دوره ۱۵، شماره ۶۱، صص ۱۱۱-۱۳۰.
۷۲. نووی، محیی الدین بن شرف، (۱۴۰۷)، شرح صحیح مسلم، بیروت: دار الکتب العربي.
۷۳. هاشمی خویی، حبیب الله، (۱۳۶۰)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، سید ابراهیم المیانجی، تهران: بنیاد فرهنگ امام المهدي (عج).